

درباره زندگی رفیق قنبر پیشدست



رفیق قنبر پیشدست روز ۲۰ خرداد ۱۳۳۳ در شهرستان بندرعباس و در خانواده ای کارگری چشم به جهان گشود. پدرش کارگر زحمتکشی بود که با انجام کارهای گوناگون و فروش نیروی کارش امکان امرار معاش خانواده اش را مهیا می کرد. رفیق قنبر در چنین خانواده کارگری ای رشد کرد. با توجه به مشکلات اقتصادی خانواده وی مجبور بود در حین تحصیل به کارگری بپردازد تا هم مخارج تحصیل خود را فراهم کند و هم بتواند به خرج خانواده اش کمکی کرده باشد. به این ترتیب وی با تحمل هر رنج و مشقتی بود موفق شد دیپلم خود را در رشته طبیعی بگیرد. بعداً او در کشتی سازی بندر عباس استخدام شد و در بخش حسابداری شرکت شروع به کار کرد تا این که در شرایط رشد مبارزات انقلابی در جامعه در سال های ۵۶ و ۵۷ ، وی که در میان کارگران کشتی سازی بندرعباس از محبوبیت زیادی برخوردار بود به عنوان نماینده سندیکای این کارگران برگزیده شد.

رفیق قنبر انسان آگاهی بود که نسبت به مسائل و مشکلات زحمتکشان حساس بود. از آن جا که وی از خانواده کارگری برخاسته و فقر و مصائب ناشی از آن را با پوست و گوشت خود احساس می کرد ، کینه و خشم عمیقی نسبت به سرمایه داران و رژیم حامی شان در آن زمان ، یعنی رژیم سلطنت داشت. به همین دلیل وی از همان آغاز شکل گیری انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ ، به سیل انقلاب پیوست و لحظه ای از تلاش و فعالیت جهت آگاه کردن توده ها و افشای رژیم وابسته شاه باز نماند. در آن شرایط انقلابی رفیق قنبر از جمله جوانان آگاهی بود که نقش به سزائی در رابطه با سازماندهی مردم علیه حکومت پهلوی در شهر بندرعباس ایفا نمود.

با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ، رفیق قنبر که می دید رژیم جدید برای سرکوب انقلاب بر سر کار آورده شده و از همان روز اول حاضر نیست به هیچ یک از خواست های انقلاب پاسخ دهد و بر عکس خود را برای سرکوب

سیستماتیک آن مهیا می کند در مقابل این رژیم موضع انقلابی اتخاذ کرد. او که همچون بسیاری از کارگران و زحمتکشان ایران عشق چریکهای فدائی خلق را در قلب خود داشت و به هواداری از سازمانی برخاسته بود که چنین نامی را یدک می کشید ، خیلی زود متوجه شد که سازمان مذکور دارای موضع سازشکارانه نسبت به رژیم جدید می باشد. از این رو رفیق قنبر که در تماس مستقیم با کارگران کشتی سازی بندرعباس قرار داشت بی اعتناء به تحلیل های نادرست رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق بعد از قیام بهمن، به همدلی با کارگران پرداخته و توانست آگاهی های مارکسیستی خود را به آن ها منتقل نماید. او همچنین به دلیل خصال های انسانی و مردمی اش تا آن جا احترام و دوستی کارگران را نسبت به خود جلب کرد که هنگامی که کارگران کشتی سازی بندرعباس در جو انقلابی آن دوره موفق به متشکل کردن خود در یک سندیکا شدند ، وی را به عنوان نماینده خود انتخاب نمودند. اما فعالیت های انقلابی رفیق قنبر در میان کارگران که از دید مزدوران رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی پنهان نبود ، منجر به دستگیری او در سال ۱۳۵۸ گردید.

به واقع رفیق قنبر یکی از اولین زندانیان سیاسی رژیم جانشین رژیم شاه بود. ولی این رژیم وابسته به امپریالیسم یعنی جمهوری اسلامی که هنوز با ادعای طرفداری از "مستضعفین" سعی می کرد به دروغ خود را مدافع منافع کارگران و زحمتکشان جا بزند با دستگیری رفیق قنبر و روانه کردن او به زندان ، دست خود را نه فقط برای کارگران بلکه برای دیگر توده های تحت ستم آن دیار رو کرد و کارگر ستیزی خود را آشکار نمود. رفیق قنبر در بیدادگاه جمهوری اسلامی از آرمان ها و منافع کارگران دفاع نمود و در شرایطی که رژیم هنوز از سازماندهی لازم و قدرت کافی برخوردار نبود در آن بیدادگاه به یک سال زندان محکوم شد.

رفیق قنبر پیشدست در سال ۵۹ ، وقتی که از زندان آزاد شد فعالیت هایش را از سر گرفت و البته این بار بر کینه تر نسبت به دشمنان طبقه کارگر و با پختگی و آگاهی هر چه بیشتری. در شرایطی که چریکهای فدائی خلق صف خود را از آن سازمان سازشکار و مماشات طلب بعد از قیام (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) جدا کرده و نشان داده بود که جمهوری اسلامی نیز همچون رژیم شاه رژیمی وابسته به امپریالیسم می باشد و بر ماهیت سرکوبگرانه آن تأکید کرده بود، رفقای انقلابی در بندرعباس در راستای این خط بر وسعت فعالیت های خود می افزودند. یکی از اقدامات این رفقا در این دوره تشکیل جنبش دانش آموزی ۱۹ بهمن، هوادار چریکهای فدائی خلق ایران در بندرعباس بود که رفیق قنبر یکی از مسئولین و گردانندگان آن بود.

با تشدید فعالیت های هسته های سیاسی - نظامی هوادار سازمان در بندرعباس امر تدارک کمپ آموزشی ای در کوه های بلوچستان در مقابل رفقا قرار گرفت. در همین راستا برخی از رفقا وظیفه یافتند اسلحه و امکانات را از بندرعباس به بلوچستان برده و انبارک های مواد غذایی و دارویی و مهمات را در بلوچستان تدارک ببینند. رفیق قنبر یکی از پیشبرندگان این برنامه بود. اما یک بار هنگامی که رفیق قنبر همراه با رفقای دیگر عازم کوه بودند با عناصر مزدور منطقه مواجه شدند و بین آن ها درگیری مسلحانه به وجود آمد که در جریان آن رفیق قنبر جان خود را از دست داد. رفیق شهید شد ولی یاد او و خاطره تلاش های بی دریغش در مبارزه با رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی، تلاش ها و مبارزاتی که وی در جهت تداوم انقلاب توده های تحت ستم ایران و در راه رهایی کارگران و زحمتکشان انجام داد ، همواره زنده بوده و روشنی بخش راه طفرنمون آینده است. تاریخ شهادت رفیق قنبر پیشدست، تاریخی که وی جاودانه شد ۴ اسفند ۱۳۶۰ می باشد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!